

## مؤلفه‌های عدالت آموزشی در قرآن\*

□ محمد صادق عادل‌ی \*\*

□ مجید طرقی \*\*\*

□ عباسعلی شاملی \*\*\*\*

### چکیده

در این تحقیق مؤلفه‌های عدالت آموزشی در قرآن، مورد بحث واقع شده است. در این پژوهش، از دو روش توصیفی-تحلیلی و روش استنتاجی که روشی نو در معناشناسی قرآن است، استفاده شده است. هدف در این تحقیق، دستیابی به ملاک‌های عدالت آموزشی از منظر معارف قرآن است. تلاش محقق در این مقاله بر این است که نخست آیات قرآنی ناظر بر عدالت را دسته‌بندی کند. آیات یادشده در سه دسته به‌شکل زیر طبقه‌بندی شده است: دسته اول، آیات حاوی واژه عدالت؛ دسته دوم آیات حاوی واژگان قسط، میزان و قسطاس مستقیم؛ دسته سوم، آیات حاوی محتوای عدالت است. سپس پرسش برخاسته از ضرورت وجود عدالت در تعلیم و تربیت را براساس روش استنتاجی به آیات یادشده

---

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۲۶؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۷/۳۰. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول در جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه با عنوان «نقد و ارزیابی رویکردهای معاصر عدالت آموزشی و ارائه رویکرد عدالت آموزشی در قرآن» می‌باشد.

\*\* دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی- اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، غزنی، افغانستان (نویسنده مسئول): (adseqadelisa@gmail.com)

\*\*\* گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی- اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران: (toroghimajid@gmail.com)

\*\*\*\* گروه روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی- اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران: (ashameli@hotmail.com)

عرضه کرده و با استفاده از منطق معناشناسی، پاسخ قرآن را نسبت به مؤلفه‌های عدالت آموزشی، مطابق شرح زیر به دست آورده است: دلالت اطلاق دسته اول آیات، شامل همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی است. دسته دوم آیات، بیان‌گر آن است که مفهوم قسط، با مفهوم عدالت یکی است. دو مفهوم «میزان» و «قسطاس مستقیم»، در تعلیم و تربیت، به مؤلفه‌های عدالت آموزشی، به عنوان سنجه‌های خدشه‌ناپذیر اشاره دارند. آیه «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» بیان‌گر جامع‌ترین قانون عدالت در قرآن است؛ بنابراین، همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی از مصادیق آن است.

**واژگان کلیدی:** عدالت آموزشی، مؤلفه‌های عدالت آموزشی، روش استنتاجی و تعلیم و تربیت.

### مقدمه

عدالت، افزون بر این‌که یک ارزش اساسی در مناسبات و تعاملات اجتماعی است، نیاز درونی همه انسان‌هاست. عدالت به مفهوم عام خود، به معنای برحق بودن، به جابودن، شایسته بودن و متناسب بودن است. عدالت دارای ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. عدالت در عرصه فردی ناظر به تحول درونی انسان در ارتباط با تعدیل تمایلات و تنظیم رفتار بر اساس هنجارهای دینی و فرهنگی است. در عرصه اجتماعی، ناظر به مفید بودن، متناسب، شایسته و بجابودن رفتار نهادهای اجتماعی مانند دین، سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت، خانواده، بهداشت و درمان برای همه افراد جامعه است.

در جامعه امروز، همه ساختارها و نهادهای اجتماعی، از جمله نهاد تعلیم و تربیت، تحت مدیریت حاکمیت دولت، قرار دارند. عدالت آموزشی، به مفهوم رفتار عادلانه حاکمیت، در سطح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و عملیاتی کردن فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی است. راه‌کار تحقق عدالت آموزشی، فراهم‌سازی فرصت برابر در جهت استفاده از امکانات، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای همه انسان‌ها است. در این تحقیق، در نظر است که معیار مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری عدالت آموزشی را از منظر معارف قرآن ارایه بدهیم.

قرآن بر اساس نگاه جامع به انسان، عدالت آموزشی را در تلفیق ملاک‌های «عدالت سازمانی» که شامل «عدالت توزیعی»، «عدالت رویه‌ای» و «عدالت تعاملی» است و همچنین ملاک‌های «عدالت ترمیمی»، «عدالت در تدوین برنامه درسی جامع، بر اساس ساحت‌های تربیتی

و توجه به چندفرهنگی بودن آن» و «عدالت در بهره‌گیری از منابع انسانی هم‌تراز» می‌داند. می‌توان با ملاک‌های یادشده، عدالت آموزشی را در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت مورد سنجش و ارزیابی قرارداد.

پرسش اصلی این تحقیق این است که مؤلفه‌های عدالت آموزشی از نظر قرآن چیست؟ برای پاسخ به این سوال، نخست لازم است به مفهوم‌شناسی پرداخته و سپس به تشریح موضع و دیدگاه قرآن نسبت به مؤلفه‌های یادشده پرداخته شود.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. عدالت

واژه عدل از نظر خلیل فراهیدی، به فتح عین به معنای پسندیدن و حکم به حق است (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۲ / ۳۸). از نگاه ابن فارس، ماده عدل دو معنای متضاد دارد؛ معنای اول عبارت از راه راست، وسط و راه در ست، پسندیده، ضد ظلم و جور است. معنای دوم عبارت از راه کج و منحرف و بی‌راهه است (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۴ / ۲۴۷). مصطفوی اعتقاد دارد که ماده عدل یک معنا بیشتر ندارد و آن حد وسط میان افراط و تفریط است (مصطفوی، ۱۴۰۲ هـ.ق: ۸ / ۵۶). در نتیجه، از نظر لغت‌شناسان، عدالت در مفهوم حق، راه در ست و راست، برابری، اعتدال و راه میانه و به دور از افراط و تفریط به کار رفته است.

علامه طباطبائی عدالت را عبارت از «برقراری تساوی و موازنه بین امور می‌داند» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۳۱-۳۳۰). شهید مطهری معتقد است عدالت اجتماعی به معنای رعایت حقوق و تساوی همه افراد است (مطهری، ۱۳۷۷: ۱ / ۸۲). به اعتقاد نگارنده، در تعریف اصطلاحی عدالت، تعریف گویا و کوتاه، تلفیق دو جمله «إعطاء کلّ ذی حقّ حقه» (بروجردی، ۱۳۸۸: ۲۲ / ۶۰۰) و «وضع الامور فی مواضعها» (ابن ابی الحدید: ۲۰ / ۲۵۳) است. زیرا در این تعریف دو عنصر حقانیت و تناسب وجود دارد که باعث پویایی و جامعیت تعریف است.

### ۲. آموزش

در عرف متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی، آموزش تعریف‌های متعددی دارد؛ اما

به نظر نگارنده، تعریف جامع‌تر آموزش، متن زیر است: «آموزش عبارت است از هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده که به هدف آسان‌سازی یادگیری برای یادگیرندگان، صورت می‌پذیرد» (سیف، ۱۳۹۲: ۳۶).

### ۳. عدالت آموزشی

چیستی و تعریف عدالت آموزشی، به دلیل این‌که دارای مؤلفه‌های مختلفی است، پیچیده است. به‌ویژه که برخی از مؤلفه‌های آن مبتنی بر چیستی انسان‌شناختی است. اما با بیان دو ویژگی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌توان به تعریف مناسب عدالت آموزشی اقدام کرد:

● **الف) بخش سخت‌افزاری:** عدالت آموزشی در بخش سخت‌افزاری شامل فضای آموزشی، امکانات و تجهیزات آموزشی، سالن اجتماعات، کتابخانه، آزمایشگاه، سالن ورزشی، سرویس بهداشتی و وضوخانه است. باید همه موارد یادشده از استحکام و ایمنی مناسب و نیز، از وضعیت بهداشتی مناسب برخوردار باشند، تا سلامتی و امنیت و نیز، رفاه و آسایش یادگیرندگان را تامین کنند (سازمان نوسازی و گسترش مدارس، ۱۳۸۹، فصل دوم و چهارم).

● **ب) بخش نرم‌افزاری:** عدالت آموزشی به مفهوم تناسب و توازن در بخش نرم‌افزاری، اقتضاهایی چون مقررات و سیاست‌های عادلانه آموزشی، تعاملات مناسب و احترام آمیز و جذاب، برنامه‌دستی جامع و چندفرهنگی و بهره‌گیری عادلانه از منابع انسانی هم‌تراز را دارد. با توجه به معیارهای عدالت آموزشی در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، می‌توان عدالت آموزشی را به‌گونه‌ی زیر تعریف کرد: عدالت آموزشی عبارت از «ایجاد فرصت‌های برابر و مناسب، در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای همه یادگیرندگان است»؛ این تعریف، از دو ویژگی جامعیت و پویایی برخوردار است، زیرا مفهوم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شامل همه خدمات آموزشی است. از سوی دیگر، عبارت فرصت‌های برابر و مناسب، جنبه پویایی به این تعریف بخشیده است. در عین حال، متضمن استحقاق و تناسب است که در تعریف برگزیده ما در مفهوم عدالت وجود دارد.

### مؤلفه‌های عدالت آموزشی از دیدگاه قرآن

بررسی دقیق مؤلفه‌های عدالت آموزشی از منظر قرآن، راه‌کارهای متعددی دارد. در این

بخش تلاش می‌شود که در اثبات مؤلفه‌های عدالت آموزشی، با استفاده از قواعد معناشناختی، استفاده شود. لازم به ذکر است که چپستی مؤلفه‌های عدالت آموزشی، در یک مقاله دیگر از نویسنده مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله ناظر به مؤلفه‌های عدالت آموزشی، به تبیین موضع قرآن پرداخته است. برای اجتناب از طولانی شدن بحث، مخاطبان محترم را به آن مقاله ارجاع می‌دهیم. در این مقاله اشاره مختصر درباره مؤلفه‌ها عدالت آموزشی خواهد شد.

براساس بررسی‌های نگارنده، مؤلفه‌های عدالت آموزشی، امور زیر است:

● الف. عدالت توزیعی: مقصود از این مؤلفه که جنبه سخت‌افزاری دارد، ناظر به توزیع عادلانه امکانات مادی تعلیم و تربیت در میان همه افراد جامعه، بدون در نظر داشت هیچ نوع تبعیض است. فضای آموزشی و تجهیزات ایمن و بهداشتی و راحت، برای همه یادگیرندگان باید به صورت مساوی و برابر فراهم شود.

● ب. عدالت رویه‌ای: مقصود از این مؤلفه که جنبه نرم‌افزاری دارد، عادلانه بودن مقررات و روش‌های آرایه خدمات به یادگیرندگان است.

● پ. عدالت تعاملی: مقصود از این مفهوم، تعامل عادلانه مدیران، معلمان/مدرسان و کادر اجرایی با یادگیرندگان و همه مراجعان است. هم‌چنین عدالت تعاملی شامل برخورد احترام‌آمیز، مؤدبانه و صادقانه با همه یادگیرندگان است.

ت. عدالت ترمیمی: مفهوم عدالت ترمیمی، در آموزش دو محور دارد؛ محور اول، برخورد اصلاحی و ترمیمی با یادگیرندگانی است که در زمان آموزش مرتکب جرم می‌شوند. مناسب است برای آنان، به جای مجازاتی مانند زندان و یا جریمه کردن، فرصت اصلاح رفتار داده شود، تا این افراد هم از تعلیم و تربیت بهره‌مند شوند و هم جامعه‌پذیر شوند. محور دوم، افرادی که به دلیل فقر شدید والدین امکان رفتن به مدرسه را ندارند. باید برای آنان افزون بر فراهم کردن امکانات تعلیم و تربیت مجانی، امکانات زندگی مناسب برای آنان و والدین‌شان مهیا شود تا برای شان زمینه استفاده از تعلیم و تربیت فراهم شود.

● ث. جامع و متوازن و چندفرهنگی بودن برنامه درسی: مقصود از این مفهوم آن است که برنامه درسی باید همه ساحت‌های وجودی انسان را شامل باشد. نیازهای مادی و معنوی انسان

را در برداشته باشد، به گونه‌ای که هیچ استعداد انسانی مورد غفلت قرار نگیرد. هم‌چنین، طراحان برنامه درسی باید توازن و تناسب را میان استعدادهای انسانی در برنامه درسی، برقرار سازند و نیز، در برنامه درسی فرصت مناسب برای نشان دادن هویت‌های فرهنگی همه یادگیرندگان، فراهم باشد.

● ج. برخورداری از منابع انسانی هم‌تراز: مقصود از این مفهوم آن است که منابع انسانی عادلانه توزیع شود. نباید برای پایتخت و مراکز شهرهای مهم معلمان برجسته، با تجربه، دارای تحصیلات بالاتر را توزیع کرد. ولی برای شهرهای کوچک، روستاها و مناطق دور دست کادر آموزشی ضعیف، کم تجربه و فاقد تحصیلات عالی را در نظر گرفت.

عدالت آموزشی شامل این شش مؤلفه است. آیا می‌توان مؤلفه‌های یادشده را از منظر قرآن استفاده کرد؟ چگونه آیاتی از قرآن برتأیید مؤلفه‌های یادشده دلالت دارد؟

مفهوم عدالت آموزشی، بحث نوظهور است. برای مردم عصر نزول، مفهوم عدالت توزیعی مطرح نبود، چگونه می‌توان از دلالت آیات قرآن مؤلفه‌های عدالت آموزشی را به دست آورد؟ راه‌کار کشف نظر و موضع قرآنی در مسایل نوظهور، «روش استنتاج» است بنابراین، لازم است به صورت اختصار به توضیح مفهوم استنتاج اشاره شود.

مفسران معنای استنتاج قرآن را به معنای به نطق در آوردن کلام خدا، دانسته‌اند، در حالی که خود کتابی صامت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۵/۱). مفسران در اصل استنتاج، اختلافی ندارند، اما در این که مقصود از استنتاج همان استنباط و تفسیر موضوعی و ترتیبی است و این که مستنطق قرآن چه کسی است، هم‌داستان نیستند. مقصود از استنتاج قرآن، تفسیر موضوعی است که دارای انواع زیر است:

● ب. تفسیر عصری: ضرورت و نیازهای هر عصری را در نظر گرفته و به عنوان سؤال به قرآن عرضه می‌شود، تا قرآن درباره آن، پاسخ هدایتی و تربیتی ارائه کند. این نوع تفسیر به نام «تفسیر عصری» نیز، نامیده می‌شود (شاکر، ۱۳۸۹: ۶۷). مقصود از تفسیر موضوعی به معنای دوم که پرچم‌دار آن شهید صدر است، توجه بر این نکته متمرکز است که باید نسبت به مشکل یا مسأله اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، قرآن را به پاسخ گفتن دعوت کنیم. به اعتقاد

وی، نقطه آغاز و خاستگاه تفسیر موضوعی، خود موضوع است که در جامعه انسانی تبدیل به یک مساله و مشکل شده است. مسایل انسانی، بیشتر از تعامل با زمان و علوم آن به دست می‌آید. اما موضوعاتی که از دل مشکلات اجتماعی، شروع می‌شود، تفسیری است که به حل مشکل زمانه جامعه می‌پردازد. از نظر شهید صدر «مراد از استنطاق، تفسیر موضوعی قرآن است به گونه‌ای که با مطالعه اوضاع جوامع هر عصر، مسایل و موضوعات مختلف دانسته شده و سپس با عرضه به قرآن به شکل سؤال، پاسخ در یافت شود» (صدر، ۱۴۲۸: ۲۶). این روش، با نام تفسیر توحیدی یا موضوعی در برابر تفسیر ترتیبی است که شهید صدر آن را «تفسیر تجزیه‌ای» نام برده است (صدر، ۱۴۳۴/۱۳۰۱۳م، ۸).

بنابراین، مؤلفه‌های عدالت آموزشی مفهومی است که در زندگی امروزی بشری، پدید آمده است؛ می‌توان مؤلفه‌های یاد شده را از طریق روش استنطاق به دست آورد.

### بررسی ظرفیت اطلاقات قرآنی و حدیثی درباره عدالت آموزشی

آیا استفاده از اطلاقات قرآنی که مبتنی بر مقدمات حکمت در علم معناشناسی اسلامی است، می‌تواند درباره مؤلفه‌های عدالت آموزشی، کارساز باشد؟ بدون تردید اطلاقات قرآنی و حدیثی، ظرفیت مهم برای استنطاق قرآن و سنت است. قرآن و سنت محدود به زمان و جغرافیای خاص نیست، بلکه آن دو، منابع جاودانه و جهانی برای استنباط دیدگاه اسلامی است.

### شبهه عدم امکان استفاده از مطلقات قرآن درباره مفاهیم نوظهور

استناد به ظهور مطلقات قسط و عدل، مبتنی بر مقدمات حکمت است. یکی از مقدمات حکمت، عدم وجود قدر متیقن در مقام تخاطب است. ممکن است کسی بگوید: بر اساس وجود قدر متیقن در مقام تخاطب، اطلاقات عدل و قسط در قرآن و حدیث، شامل عدالت آموزشی نمی‌شوند؛ چون در عصر نزول، مصادیق عدالت و قسط، رعایت ترازو و پیمان و نیز تعداد امور محدودی دیگر بودند. بنابراین، در مقام تخاطب، قدر مسلم از عدالت که در افکار و اذهان آن دوره مهم و حیاتی شمرده می‌شدند مد نظر هستند، اما با توجه به اینکه مصادیق مختلف و پیچیده امروزی عدالت آموزشی و مؤلفه‌های چندگانه آن، در عصر نزول اصلاً مطرح

نبوده‌اند، چگونه می‌توان برای اثبات این مفاهیم از اطلاق عدل و قسط استفاده کرد و عدالت آموزشی را با استناد به قرآن و یا حدیث اثبات کرد؟ به عبارت دیگر مفاهیم عدل و قسط در قرآن و سنت نسبت به مفاهیم نوظهور اطلاقی ندارند.

### پاسخ شبهه

در اصل وجود مقدمات حکمت، میان دانشوران «اصول فقه» توافق وجود دارد، ولی در مورد عدم قدر متیقن در مقام تخاطب، اختلاف است. آخوند خراسانی، مقدمات حکمت را سه تا می‌داند: اول، متکلم در مقام بیان تمام مراد و مقصود خود باشد؛ دوم قرینه صارفه بر ضد اطلاق وجود نداشته باشد؛ سوم این که قدر متیقن در مقام تخاطب موجود نباشد. اما وجود قدر متیقن خارجی بدون مقام تخاطب ضرری بر ظهور اطلاق نمی‌زند (هروی، ج ۱، بی تا: ۳۸۴). برخی دیگر، مقدمات حکمت را دو تا دانسته‌اند. همان دو مقدمه اول، اما وجود قدر متیقن در مقام تخاطب را مانع از ظهور مطلق در اطلاق نمی‌دانند مانند قدر متیقن خارجی، ضرری بر اطلاق ندارد. بنابراین، ضروری است بررسی شود که مطلقات آیات و روایات ناظر به عدل و قسط، از قدر متیقن در مقام تخاطب برخوردار است یا نه؟

از مطالب بالا امور ذیل روشن شد:

الف. اطلاق آیات ناظر بر قسط و عدالت، هیچ قدر متیقنی در مقام تخاطب ندارند، بلکه در این آیات قدر متیقن خارجی وجود دارد؛ زیرا آیات حاوی دستور درباره عدالت و قسط، در پاسخ به سوال فرد یا گروه خاصی نازل نشده، بلکه ناظر به نیاز جامعه بشری نازل شده‌اند. بنابراین، تمسک به اطلاقات آن‌ها، هیچ شبهه و تردیدی از این جهت ندارد.

ب. قدر متیقن خارجی مطابق با نظر همه اصولی‌ها، مانع از تمسک به اطلاق نیست. بنابراین، وجود مصادیق عدالت و قسط در عصر نزول، هیچ‌گونه اسباب تقیید برای ظهور اطلاق در مصادیق جدید مانند عدالت توزیعی، رویه‌ای، تعاملی و ترمیمی ندارد.

### آیات قسط و عدل

بهره‌گیری از اطلاقات آیات قسط و عدل، نیازمند آن است که اولاً این آیات، احصا شود؛



دوماً به صورت موضوعی دسته‌بندی شود؛ سوماً دلالت آن درباره عدالت سازمانی و عدالت آموزشی در قالب شاخص‌ها و متغیرهای علم‌یاتی تبیین گردد.

### گروه‌بندی آیات مرتبط با عدالت

درباره عدالت، سه دسته از آیات قرآن وجود دارند؛ آیاتی که در آن‌ها لفظ عدالت به کار رفته‌اند؛ دوم آیاتی که حاوی مفهوم قسط و میزان‌اند، سوم آیاتی که دارای محتوا و مضمون ناظر به عدالت‌اند.

#### گروه اول: آیات حاوی لفظ عدالت

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (مائده: ۸).

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید» (نحل: ۹۰).

#### نکات تفسیری

در این سه آیات، نکاتی مختلفی وجود دارد، در این جا به چهار نکته می‌پردازیم:

#### نکته اول؛ مراد از عدالت

مراد از عدالت در این سه آیه، عدالت اجتماعی است؛ زیرا قرآینی مانند «شنان قوم» در آیه اول و «هم‌نشینی عدل و احسان» در آیه دوم، نشان می‌دهد که مقصود از «کاربرد ماده عدل در این آیات»، عدالت اجتماعی است.

#### نکته دوم؛ جاری بودن عدالت در تمام امور زندگی انسان‌ها

از آیات فوق به دست می‌آید که عدالت باید در تمام امور زندگی اجتماعی انسان‌ها جاری باشد، چون دستور خداوند به عدالت در این دو آیه، اطلاق دارد. همان طوری که مقید به افراد

خاصی نیست، مقید به مورد خاصی هم نیست. به عنوان نمونه نمی توان اطلاق آیات را به عدالت قضایی یا جزایی تنزیل داد؛ مفهومی عام است؛ فراتر از مرزهای جغرافیای سیاسی، فرهنگی، جنسیتی و مذهبی است؛ در واقع قانون عام و همه شمول در تمام عرصه های اجتماعی است؛ چه قانونی از «عدل» وسیع تر، گیراتر و جامع تر تصور می شود؟ عدل، همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می چرخد، آسمان ها، زمین و همه موجودات با عدالت برپا هستند (بالعدل قامت السماوات والارض). جامعه انسانی که گوشه کوچکی از این عالم پهناور است نیز، نمی تواند از این قانون عالم شمول، برکنار باشد و بدون عدل به حیات سالم خود ادامه دهد (مکارم شیرازی و همکاران، پیشین: ۱۱/۳۶۷).

### نکته سوم؛ شمول اطلاق آیات، بر عدالت آموزشی

استدلال به این نکته مبتنی بر دو نکته قبلی است؛ زیرا آیات، ناظر به عدالت اجتماعی است و هم چنین اطلاق آیات ناظر به تمام عرصه های اجتماعی هستند، پس شامل عدالت آموزشی نیز هستند، بلکه عدالت آموزشی، مصداق برجسته و مهم عرصه زندگی اجتماعی در شرایط کنونی است. در شرایط امروزی، سرنوشت زندگی یک انسان، با عدالت آموزشی گره خورده است. اگر در جامعه ای عدالت آموزشی برقرار نباشد، عدالت اجتماعی در سایر بخش ها نیز، گره گشا نخواهد بود. پس حکم به عدالت، یعنی «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» شامل تعلیم و تربیت انسان است و شامل همه مؤلفه های عدالت آموزشی است؛ چون اگر هر یکی از این مؤلفه ها مشمول دلالت این آیات نباشند، عدالت در این بخش محقق نشده است و این بخش از زندگی مردم، آمیخته با ظلم و جور می ماند در حالی که از نظر قرآن ظلم و جور، در هیچ کاری، حتی یک لحظه قابل پذیرش نیست. به عبارت دیگر، قرآن هر اقدام غیر عادلانه را مردود می داند، چه در امور جزایی و کیفری، چه در امور آموزشی و هدایتی. در همه جا و همه امور خواست قرآن رعایت عدالت است.

### نکته چهارم؛ عدالت اجتماعی، نشانه تقوی

یکی از نکته های مهم تفسیری در آیه شریفه اول، این است که عدالت اجتماعی را عامل

تقوای کنشگران اجتماعی، معرفی کرده است، مدیران و حاکمان جامعه، زمانی به تقوای الهی می‌رسند که با مردم عادلانه رفتار کنند؛ رعایت عدالت اجتماعی از مقومات عدالت فردی است. روشن‌ترین پیام «اعدلوا هواقرب للتعوی» این است که عدالت اجتماعی، نشانه تقوای مدیران و حاکمان است؛ بنابراین، مدیران جوامعی که در آن‌ها نشانی از عدالت آموزشی نباشد، نمی‌توانند مدعی تقوا و دین‌داری باشند؛ پس بهترین راه تقوای الهی، رعایت عدالت آموزشی حتی در حق دشمنان است.

### حکم فقهی عدالت آموزشی از آیات فوق

هر دو آیه شریفه از ساختار فعل امر یا از ماده امر درباره عدالت استفاده کرده است. ماده و صیغه امر، در وجوب ظهور دارد. بنابراین رعایت عدالت آموزشی، از نظر فقهی واجب است؛ زیرا بدون توجه به موازین عدالت آموزشی، حق یادگیرندگان ضایع می‌شود. از سوی دیگر، وقتی چیزی از مصادیق عدالت شمرده شود، رعایت آن واجب است. وقتی چیزی در امور اجتماعی متصف به عنوان عدالت شود، به حکم عقل نیز، متصف به حسن گردیده و با توجه به ملازمه میان حکم عقل و شرع، متصف به وجوب می‌شود.

### گروه دوم: آیات حاوی واژه قسط و میزان

در این دسته آیات زیادی وجود دارند به صورت اختصار به آن پرداخته می‌شود؛ «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله، و لو علی أنفسکم أو الوالدین و الأقریین إن یکن غنیا أو فقیراً فالله أولی بهما فلا تتبعوا الهوی أن تعدلوا...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق، منحرف خواهید شد ...» (نساء: ۱۳۵).

«و لا تقرّبوا مال الیتیم إلاّ بالّتی هی أحسن حتی ینلغ أشدهم و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط لا نکلف نفساً إلاّ وسعها و إذا قُلتم فاعدلوا و لو کان ذا قرّبی و بعهد الله أوفوا؛ و به مال یتیم،

جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسند! و حق پیمان‌ه و وزن را بعدالت ادا کنید! هیچ کس را، جز بمقدار تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید» (انعام: ۱۵۲).

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ؛ بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است» (اعراف: ۲۹).

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است» (حدید: ۲۵).

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَرُؤَا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ و هنگامی که پیمان‌ه می‌کنید، حق پیمان‌ه را ادا نمایید، و با ترازوی در ست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است» (اسراء: ۳۵).

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ \* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید» (الرحمن: ۷-۹).

### نکات لغوی و تفسیری آیات فوق

در ضمن بیان معنای لغوی، به نکاتی از دلالت این گروه از آیات، بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی پرداخته می‌شود:

الف. بیان مفهوم قسط: راغب معنای قسط را همان بهره عادلانه شمرده و بیان کرده است که قسط از باب ثلاثی مجرد، در قرآن به معنای جور و ستم آمده است: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (جن: ۱۵) ولی از ثلاثی مزید از باب افعال به معنای عدالت است: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹؛ راغب اصفهانی: ۶۷۰).

ب. بیان مفهوم میزان: مقصود از میزان در آیه «وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» چیزی است که به وسیله آن هر چیزی را می‌سنجند و اندازه‌گیری می‌کنند اعم از این که میزان برای عقیده باشد یا فعل و یا قول و از مصادیق آن میزانی است که اشیای سنگین را به وسیله آن وزن می‌کنند (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۱۶۲). عدالت اجتماعی نیاز به شاخص و سنجه دقیق دارد. کیل و میزان ابزار کارآمد و شاخص عدالت است. بنابراین، مفهوم میزان از پویایی برخوردار است؛ هم ابزار سنجش امور مادی را دربرمی‌گیرد و هم اشاره به سنجش امور غیرمادی دارد. مقصود از میزان، سنجه دقیق رفتار عادلانه در اجتماع است. بنابراین، در شرایط امروزی، میزان در عدالت آموزشی، اموری است که عدالت آموزشی را در همه عرصه‌های تعلیم و تربیت برقرار سازد. از نظر نگارنده، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی، عدالت ترمیمی یا جبرانی، همین طور برنامه درسی جامع و مبتنی بر ساحت‌های انسانی، توزیع منابع انسانی هم‌تراز، میزان دقیق سنجش عدالت آموزشی است.

#### پ. دلالت اطلاق قسط بر هر نوع رفتار عادلانه

مفهوم جمله «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» و «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ» اطلاق دارد؛ بنابراین، شامل هر نوع موضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ یعنی در عرصه‌های یادشده همواره حتی یک لحظه از اقامه قسط و عدالت، غفلت نکنید. رفتار عادلانه را نباید به گواهی دادن عادلانه فقط در دادگاه تقلیل بدهیم بلکه در تمام عرصه‌های اجتماعی، شاهدان اقامه قسط، باشیم؛ جمله «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ» در آیه ۲۹ اعراف، جمله مستقلى است، هیچ قیدی ندارد پس شامل هر نوع رفتار عادلانه در عرصه‌های اجتماعی است.

#### ت) مقصود از قسطاس مستقیم در عرصه تعلیم و تربیت

مقصود مصداقی آیه «وَوَزَوْنَا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ»، در تعلیم و تربیت، میزانی است که در آن ظلم و جور رخه نکند، به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های عدالت آموزشی، مصداق ترازوی راستین عدالت باشد؛ زیرا اگر مؤلفه‌های عدالت آموزشی، برقرار گردند، هیچ رخه‌ای برای جور و ظلم باقی نمی‌ماند.

### ج. حکم فقهی عدالت آموزشی از آیات فوق

در این دسته از آیات نیز، از ماده و صیغه امر در رعایت قسط، میزان و کیل استفاده شده است؛ بنابراین در ظهور حکم به وجوب این دسته آیات تردیدی نیست روشن شد که قسط و میزان، شامل مؤلفه‌های عدالت آموزشی است؛ در نتیجه رعایت همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی، از نظر فقهی واجب است.

### گروه سوم: آیات دارای مضمون عدالت

در این دسته به بیان مفهوم یک آیه برای رعایت اختصار اکتفا می‌شود؛

«وَإِلَىٰ مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است بنابراین، حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نگاهید!» (اعراف، ۸۵).

### نکات ادبی و تفسیری

#### الف. آیه دوم جامع‌ترین قانون برای عدالت اجتماعی

برای روشن شدن این نکته لازم است نخست معنای بخش را روشن کنیم: جمله «وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» به معنای «لا تظلموهم» است، «و البخس من الظلم أن تبخس أخاك حقّه»، یعنی به مردم ستم نکنید بخش به مفهوم ظلم این است که تو حق برادرت را ناقص بسازی (مصطفوی، پیشین: ۲۲۳/۱) با توجه به مفهوم واقعی بخش اکنون لازم است در تفسیر «وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» دیدگاه برخی از مفسران را نقل کنیم.

آیت الله جوادی آملی، این آیه را جامع‌ترین آیه در مورد رعایت گوناگون حق الناس دانسته است؛ زیرا در این آیه شریفه، از فن بلاغی ذکر عام پس از ذکر خاص، استفاده شده است؛ خاص، عبارت از وفای به کیل و وزن است که مربوط به امور مادی است و عام «وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» است. این نوع بیان، برای تبیین قانون کلی و جامع است یعنی «هیچ حقی از

هیچ کسی را ضایع نکنید» دلیل جامع بودن و قانون کلی بودن این آیه، دو کلمه «ناس» و «شیء» است، زیرا کلمه «ناس» خالی از هر گونه قیدی است، هر انسانی را دربرمی‌گیرد؛ و واژه «اشیا» که جمع است هر چیزی اعم از اموال، اعراض، نوامیس و دیگر حقوق را فرا می‌گیرد، یعنی درباره هیچ کس، مسلمان باشد یا نامسلمان در هیچ چیزی چه دادوستد مالی باشد یا حقی از حقوق معنوی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باشد، کم نگذارید (جواد آملی: ۴۲۳/۲۹-۴۲۴)

بنابراین، دلالت این آیه، بر عدالت آموزشی از نوع دلالت عام بر مصادیق و افرادش هست، تفاوت عام و مطلق در این است که شمولیت و استغراق لفظ عموم بر مصادیق خود، از نوع دلالت لفظیه است و نیازمند مقدمات حکمت نیست؛ اما شمول مطلق بر مصادیق خود، نیازمند تمام بودن مقدمات حکمت و از نوع دلالت عقلیه است (محقق داماد، ۱۳۶۲: ۱/ ۹۹) افزون بر آن، جمله «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» قابل تخصیص و تقیید نیست. قانون کاملاً عام و آبی از تخصیص است؛ زیرا معنا تخصیص در این قانون آن است که ظلم در برخی از حقوق مردم جایز است؛ در حالی که ظلم، به هیچ وجه جایز نیست.

بر این اساس می‌توان با قاطعیت و صراحت تمام نتیجه گرفت که این آیه، دلیل کافی و وافی برای اثبات همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی است؛ زیرا تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین حقوق مردمی است. در عرصه آموزش، کم نگذاشتن حق مردم، آن است که در تراز ملاک‌های عدالت آموزشی، خدمات آموزشی و تربیتی ارایه شود. می‌توان مؤلفه‌های عدالت آموزشی را به‌عنوان میزان و شاخص در تعلیم و تربیت مد نظر قرارداد؛ هرگاه جامعه‌ای، در تراز مؤلفه‌های یادشده فعالیت و خدمات آموزشی، ارایه دهد، با اطمینان می‌توان گفت هیچ حقی از هیچ کسی، در عرصه تعلیم و تربیت، ضایع نشده است.

### بررسی حکم فقهی آیات فوق

در جمله «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» از فعل نهی استفاده شده است؛ فعل نهی، ظهور در حرمت دارد. بنابراین ضایع کردن حق مربوط به تعلیم و تربیت مردم حرمت دارد. پس مدیران، سیاست‌گزاران و مجریان تعلیم و تربیت از نظر فقهی ملزم هستند که حقوق تربیتی و تعلیمی

مردم را رعایت کنند و زمانی این تکلیف از گردن آنان ساقط می‌شود که همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی را به‌کار بندند.

### عدالت‌ترمیمی از منظر معارف قرآن

در مورد عدالت ترمیمی، در قرآن دو دسته دلیل داریم؛ دلیل عام که در سه دسته از آیات فوق بیان شد، دلیل خاص که از آیات ناظر بر موضوع عبادات مالی به‌دست می‌آید در قرآن منابع مالی خاص برای عدالت ترمیمی در نظر گرفته شده است؛ زکات، خمس و انفاق‌های مستحبی، منابع سه‌گانه مالی در قرآن برای عدالت ترمیمی است؛

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ...؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند، و...» (توبه: ۶۰)

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، وَلِلرَّسُولِ، وَلِذِي الْقُرْبَى، وَالْيَتَامَى، وَالْمَسْكِينِ، وَابْنِ السَّبِيلِ...؛ بدانید هر گونه غنیمی به‌دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن‌ها) است...» (انفال: ۴۱)

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كِي لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ،...؛ آنچه را خدا از اموال و زمین‌های اهل آن آبادی به‌رسول خود، بازگرداند، متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که ثروت، تنها در دست توانگران شما نباشد...» (حشر: ۵۹)

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است» (آل عمران: ۹۲).

### استناد بر عدالت ترمیمی به آیات فوق

در آیه اول، موارد مصرف صدقات را بیان کرده است؛ فقیر و مسکین که همان افراد نابرخوردار هستند، مورد اصلی مصرف زکات هستند. در آیه دوم، یتیم، مسکین و ابن‌سبیل، از موارد مهم



مصرف خمس شمرده شده‌اند. در آیه سوم، به توصیف ستایش‌آمیز انفاق پرداخته است؛ انفاق در راه خداوند زمانی حقیقتاً نیکوکاری شمرده می‌شود که آنچه انفاق می‌شود مورد علاقه و رغبت باشد؛ موارد مصرف انفاق مستحبی نیز، اقشار نابرخوردار یا کمتربرخوردار هستند. در آیه چهارم، فلسفه یا علت انفاق بیان شده است تا ثروت فقط در دستان ثروتمندان نچرخد. در واقع زکات، خمس و انفاق، برای جبران محرومیت اقشار فقیر و در مانده جامعه است. چرخش ثروت در میان اقشار مختلف جامعه، باعث تحرک اجتماعی می‌گردد؛ اگر نیازهای اقشار فقیر، در زمینه تعلیم و تربیت، برآورده شود، دیری نخواهد پائید که تحرک اجتماعی به نفع نیازمندان شکل بگیرد؛ بر این اساس، یکی از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت، تحرک اجتماعی است؛ فلسفه اصلی عبادات مالیه، چرخش ثروت در میان اقشار نابرخوردار است: «کی لآ یكون دولةً بین الأغنیاء منکم» مدیران، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت باید از محل عبادات مالی، برای تحقق اهداف عبادات مالی، فرزندان واجب‌التعلیم اقشار نابرخوردار را مورد حمایت مالی قرار دهند تا از طریق کسب شایستگی و مهارت لازم از طریق تعلیم و تربیت، بتوانند در آینده، پیشرفت کرده و به‌قشر برخوردار تبدیل شوند.

### بررسی حکم فقهی عدالت ترمیمی در تعلیم و تربیت

در وجوب مصرف زکات و خمس برای افراد نیازمند، تردیدی نیست؛ بلکه سخن در مصرف منابع مالی فوق در افراد نیازمند به‌تعلیم و تربیت است؛ روشن است که در این مورد، با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت که از ضروری‌ترین امور زندگی بشر امروز است نیز، بدون در اولویت قرار دارد، پس همان‌طوری که رعایت عدالت ترمیمی برای مصارفی مانند خوراک، پوشاک و سایر نیازهای مشروع واجب است، در مورد تعلیم و تربیت نیز، رعایت عدالت ترمیمی واجب است.

### برنامه درسی جامع، متوازن، منعطف و چندفرهنگی از منظر معارف قرآن

برنامه درسی عادلانه آن است که حداقل در سه محور با وضعیت یادگیرنده متناسب باشد؛ ۱. باید برنامه درسی با توان ذهنی - روانی یادگیرنده، تناسب داشته باشد؛ ۲. با جامعیت و توازن نسبت به‌ساحت‌ها و استعدادهای مختلف یادگیرنده تناسب داشته باشد؛ ۳. با وضعیت چندفرهنگی

یادگیرندگان تناسب داشته باشد. در این بخش، برای اثبات جامعیت، توازن، انعطاف و چندفرهنگی بودن برنامه درسی، به آیات قرآن استناد می‌شود.

برنامه درسی روح تعلیم و تربیت، نقشه و هندسه یادگیری است. برنامه درسی، از جهات مختلف، دارای ملاک‌های متعددی است، که هر بعد آن، دلیل و سند جداگانه لازم دارد. به‌عنوان نمونه ساحت‌های مختلف انسانی، دلایل انسان‌شناختی از منظر فلسفی، دینی و علمی دارد. ساحت‌های مهم انسانی، ساحت اعتقادی، عبادی و دینی، ساحت زیستی و بدنی، ساحت اجتماعی و سیاسی، ساحت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت زیبایی‌شناختی و هنری و ساحت علمی و فناوری هستند (وفایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۶). بنابراین، باید برنامه درسی برای همه ساحت‌های تربیتی دارای برنامه و طرح باشد.

### تناسب برنامه درسی با توان یادگیرنده

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند» (البقره: ۲۸۲).

جمله «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ...» بیان‌گر سنت و قانون خداوند در میان بندگان است. یعنی ایمان دارای مراحل است. آن مقدار را بر هر یک از بندگان خود تکلیف کرده که درخور فهم او باشد، و از اطاعت آن مقداری را تکلیف کرده که درخور نیرو و توانایی بنده باشد (طباطبایی، ج ۲، ص ۶۸۴). اطلاق آیه شریفه، شامل برنامه درسی نیز هست که باید متناسب با توان ذهنی و روانی همه متریان طراحی شود. بنابراین، لازم است برنامه درسی، حداقل در سه سطح متفاوت طراحی شود: ۱. سطح متناسب با افراد دارای هوشبهر پایین؛ ۲. سطح دوم برای افراد دارای هوشبهر متوسط؛ ۳. سطح سوم برای افراد دارای هوشبهر بالا. در غیر این صورت برنامه درسی عادلانه نخواهد بود.

### حکم فقهی رعایت تناسب سطح توان یادگیرندگان در برنامه درسی

جمله «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ...» فعل نفی و جمله اخباری است، اما در بردارنده حکم انشایی نیز هست و آن عدم جواز تکلیف، بیش از توان مکلف در همه عرصه‌ها - از جمله در عرصه تعلیم و تربیت - است. گاهی جمله اخباری در حرمت یا وجوب تاکید بیشتری دارد.

### برنامه درسی جامع و متوازن

برنامه درسی باید از جامعیت و توازن برخوردار باشد و اگر شامل توجه به همه استعدادها و ساحت‌های وجودی انسان نباشد، غیر متناسب و نا عادلانه است؛ «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ؛ نباید از میزان تجاوز کنید» (الرحمن: ۹). میزان در برنامه درسی عادلانه، جامعیت و توازن است و عبور از آن، عبور از عدالت در تعلیم و تربیت است. عدم توجه به توازن و تناسب برنامه درسی، که موجب اختلال در یادگیری و نیز عدم تعادل در زندگی یادگیرندگان می‌شود، از نظر فقهی، حرام است؛ زیرا جمله «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» از ساختار فعل نهی استفاده شده است و آن بر حرمت دلالت دارد.

### تناسب برنامه درسی با وضعیت چندفرهنگی

تدوین برنامه درسی چندفرهنگی، بخشی از مؤلفه برنامه درسی جامع و متوازن است. فرهنگ چهار عنصر دارد؛ اول: عنصر جهان‌بینی؛ دوم: عنصر ارزش‌ها؛ سوم: نمادها و چهارم: دستاوردها است که لازم است از دو مؤلفه اخیر فرهنگ، یعنی نمادها و دستاوردهای فرهنگی اقوام، در برنامه درسی استفاده شود. برای اثبات این بخش از مؤلفه پنجم، حداقل می‌توان به یک مورد از آیات قرآن استناد کرد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمنداند (الزمر: ۱۸).

### نکات ادبی و تفسیری

نکته اول: واژه «یستمعون»، بیان‌گر آن است که انسان خردمند، به سخنان متفاوت گوش می‌سپارد تا در مقام عمل، بهترین‌ها را به‌کاربندد.

نکته دوم: «القول» محلی به الف و لام استغراق است و ظهور در همه قول‌ها دارد (ثعالبی، ج ۵، ۱۴۱۸: ۸۵).

نکته سوم: جمله «و یاتبعون احسنه» بیان‌گر آن است که شنیدن اقوال، برای عمل و کاربرد در زندگی است.

نکته چهارم: این آیه در مقام توصیف بندگان هدایت یافته و با خرد است. نقطه مرکزی این توصیف آن است که افراد خردمند و هدایت یافته طالب و عاشق رشد و حق اند. به این امید به هر سخنی گوش می دهند که در آن حقی بیابند. می ترسند که با گوش ندادن، حقی فوت شود (طباطبایی، ج ۱۷: ۳۸۰).

بنابراین، از اطلاق این آیه شریفه، نخست استفاده می شود که در برنامه درسی، باید نگاه چندفرهنگی حاکم باشد، زیرا برنامه درسی چندفرهنگی، فواید زیادی دارد و زمینه ساز استفاده از نکات آموزنده و سازنده فرهنگ های مختلف، برای رشد و پیشرفت متریان است. برنامه درسی چندفرهنگی، برای همه یادگیرندگان، احساس مشارکت و عدالت در تعلیم و تربیت را به وجود می آورد. عامل ایجاد احساس همدلی و برابری میان یادگیرندگان است. زمینه ساز زندگی مسالمت آمیز میان اقوام و پیروان فرهنگ های مختلف است. رعایت عدالت آموزشی در خصوص تدوین برنامه درسی چندفرهنگی، راه را برای محرومیت زدایی از فرهنگ شیعه در کشورهای که شیعیان در آن اقلیت دارد، باز می کند و آنان را از حاشیه به متن خواهند آورد.

### حکم فقهی برنامه درسی چندفرهنگی

در این آیه، از جمله خبریه استفاده شده که در آن رویه بندگان خوب را به نیکویی توصیف کرده است، می توان آن را در حکم جمله انشایی دانست. در نتیجه برنامه درسی چندفرهنگی را واجب دانست یا دست کم مطلوبیت آن استفاده می شود که حداقل چنین کاری مستحب است، اما به دلیل این که در امور اجتماعی رعایت عدالت امر مستحبی نیست، می توان گفت که چنین کاری واجب است.

### نتیجه گیری

در این پژوهش، موضع معارف قرآن درباره مؤلفه های عدالت آموزشی در سه دسته از آیات بیان شد. در گروه اول نکاتی مختلف مطرح شد که مغز و لب همه این نکات این است که گستره قلمرو عدالت در قرآن، عموم انسان هابند و عدالت باید در تمام امور زندگی انسان ها جاری باشد. عدالت آموزشی که بخش مهم زندگی انسان امروز را دربردارد، مشمول حکم

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» هست. این حکم، همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی را شامل است. هریک از این مؤلفه‌ها، راه‌کار تامین عدالت در بخش‌های مختلف تعلیم و تربیت است؛ اگر مشمول اطلاعات و عمومات آیات فوق نباشند، در واقع در آن نقطه ظلم و جور را اجازه داده‌اند. از نظر قرآن ظلم و جور، در هیچ کاری، حتی یک لحظه قابل پذیرش نیست!

در گروه دوم آیات، حدود شش آیه بیان شد که محور این آیات، واژگان قسط، میزان و قسطاس مستقیم بود. لب همه نکات تفسیری آیات بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی این است که مفهوم قسط در ثلاثی مزید، با مفهوم عدالت یکی است و قسط در تمام زندگی انسان‌ها باید جاری باشد، تعلیم و تربیت که بخش بسیار مهمی از زندگی انسان را دربردارد، مشمول مفهوم قسط است. داشتن موضع عادلانه در همه‌حال و در همه امور از جمله در عرصه مهم تعلیم و تربیت، ضروری است. چون تقابل دایمی از نوع ملکه و عدم آن، بین قسط و جور در همه عرصه‌های زندگی وجود دارد، در عرصه تعلیم و تربیت نیز، این تقابل دایمی وجود دارد. برای حاکم کردن قسط و عدل، در تعلیم و تربیت، باید همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی را مد نظر قرار گیرد.

مفهوم میزان در زندگی امروزی بشر شاخص‌های معتبر و اطمینانی برای سنجش عادلانه امور است، شامل امور مادی و غیر مادی است. تعلیم و تربیت نیز، باید میزان داشته باشد که مطابق این تحقیق، میزان سنجش عدالت آموزشی، همین مؤلفه‌ها خواهد بود. مفهوم قسطاس مستقیم، همان ترازوی خدشه‌ناپذیر است. مقصود از قسطاس مستقیم در عرصه تعلیم و تربیت، توجه به مؤلفه‌های عدالت آموزشی است؛ زیرا با وجود این ملاک‌ها، هیچ رخنه‌ای برای جور و ظلم باقی نمی‌ماند.

در گروه سوم یک آیه با محتوای عدالت مورد بررسی قرار گرفت که جامع‌ترین قانون عدالت در قرآن را دربردارد. با استفاده از این قانون کلی و جامع، عدالت آموزشی با تمام مؤلفه‌های خود قابل اثبات است؛ «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» قانون کلی است. یعنی «هیچ حقی از هیچ کسی را ضایع نکنید». این آیه، از غرر جوامع الکلم قرآن و از آیات جهان شمول و احکام بین‌المللی دین الهی است.

به‌رغم این‌که دربارهٔ عدالت آموزشی از نظر اسلام تعدادی آثار در قالب مقالات وجود دارند، اما هیچ‌کدام عدالت آموزشی را براساس مؤلفه‌های شش‌گانه‌ای که مستند به قرآن و روایات باشند، مطرح نکرده‌اند. دوم این‌که مؤلفه‌های مطرح شده در تحقیق حاضر، از جامعیت قابل قبولی برخوردارند؛ هم امکانات سخت‌افزاری را دربردارد و بر لزوم و ضرورت آن برای فراهم شدن یادگیری مطلوب تاکید دارد، هم بر جنبهٔ نرم‌افزاری آن در بخش‌های مختلف تعلیم و تربیت توجه دارد.

معقولیت و مقبولیت همه مؤلفه‌های عدالت آموزشی؛ کاربرست این تحقیق تنها به ملاحظات دینی و قرآنی، منحصر در جوامع اسلامی نیست، بلکه به دلیل معقول بودن همهٔ مؤلفه‌های آن در جوامع غیر اسلامی نیز، کاربرد دارد و می‌تواند ملاک سنجش عدالت آموزشی در تعلیم و تربیت بین‌المللی باشد. بنابراین، یونسکو می‌تواند معیارهای یادشده را به‌عنوان شاخص عدالت آموزشی در سطح جهان مورد استفاده قرار دهد. مؤلفه‌های یادشده، افزون بر این‌که از پشتوانهٔ مفاهیم قرآنی برخوردار هستند، از پشتوانه عقلانی نیز، برخوردارند. به این جهت می‌تواند کاربرد جهانی داشته باشد. در اصل، قرآن بر مبنای توحیدی، راه‌حل جهانی، ارائه می‌دهد. در بحث عدالت که ماهیت عقلانی دارد، قرآن با نگاه جهانی از منظر توحیدی، به عدالت نگرسته است. عدالت آموزشی، در عرصهٔ تعلیم و تربیت را با نگاه جهانی، برای تمام بشریت ضروری دانسته است. دین، نژاد، قومیت، جنسیت، غنا و فقر و نیز، زبان و فرهنگ، عدالت آموزشی را محدود و منحصر به هیچ گروهی نمی‌کند.

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقائیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. اشرفی، سیدحسن، *نهایة الوصول (شرح کفایة الأصول)*، قم: اول، ۱۳۸۵ ش.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق: دار العلم - الدار الشامیة، اول، ۱۴۱۲ق.
۴. افجه، سید علی اکبر، *مبانی فلسفی و تنوری های رهبری و رفتار سازمانی*، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، اول، ۱۳۸۴.
۵. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۲۹، قم: نشر اسراء، اول، ۱۳۹۳.
۶. رازی، فخرالدین؛ ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.
۷. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۷ق.
۸. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *تفسیر فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۹. شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم: نشر مصطفی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة (للصیحی صالح)*، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: نشر مؤلف، ۱۴۱۹ق.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵.
۱۳. صدر محمدباقر، *بحوث فی علم الاصول*، تقریرات هاشمی شاهروردی، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.
۱۴. صدر، سید محمد باقر، *المدرسة القرآنیة*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر، ۱۴۲۸ق.
۱۵. صدر، سید محمد باقر، *المدرسة القرآنیة*، دارالکتب الاسلامی، دوم، ۱۴۳۴/۲۰۱۳م.

۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۳.
۱۸. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ششم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز الکتب للترجمة و النشر، اول، ۱۴۰۲ق.
۲۲. مطهری، مرتضی. *مجموعه آثار*، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا، سوم، ۱۳۸۱.
۲۳. مکارم شیرازی ناصر. *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، اول، ۱۴۲۱ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ۶ و ۱۴، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.

### مجلات علمی - پژوهشی (مقالات)

۲۵. ایزدی، مهدی. اخوان مقدم، زهره. «ضرورت، ماهیت و روش استنطاق از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، سال ششم، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۹۲ پیاپی، ۱۲، صص ۱۰۳-۱۲۶.
۲۶. پهلوان، منصور. معارف، مجید. صفره، حسین، «استنطاق قرآن»، *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*، شماره ۱، سال چهل و سوم، ۱۳۸۹، از صفحه ۱۳۹-۱۶۳.
۲۷. جاوید، محمد جواد، «فلسفه حقوق طبیعی انسان در اسلام»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، دوره ۸، شماره ۲۵، سال ۱۳۸۶، صص ۷-۳۲.
۲۸. جوادی، سید احمد، «معیارهای عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تاکید بر اخلاق حکومتی امام علی»، *پژوهشنامه اخلاق*، زمستان ۱۳۹۱، سال پنجم شماره ۱۸.